

# پرخاشگری دینی

## در گستره امپراتوری اعراب

کتاب است که در این اواخر با همکاری "انتشارات شاهنامه، هالند" چاپ و نشر گردیده است. در این اثر نویسنده (سیدموسی صمیمی) ریشه های تاریخی و عقیدتی پرخاشگری دینی را با در نظر داشت عوامل تاثیرگذار معاصر - معضل جهانی شدن و حکومت های اقتدار گرای سکولار - بررسی میکند.

غرض ارزیابی عوامل بنیادی پرخاشگری در این اثر، نخست نگاه گذرای بر زیرساخت فکری و روند تاریخی امپراتوری اعراب انداخته شده، تا بتوان تداوم و تفاوت تلاش های امروزی پرخاشگری دینی را با گذشته های امپراتوری عربی، که نویسنده آنرا **"دمشق محور و بغداد محور"** میخواند، بخوبی روشن ساخت. ولی برای بررسی عوامل ظهور، رکود و نزول امپراتوری اعراب نخست ایجاب میکند تا نظر گذرای بر امپراتوری های ساسانی و بیزانس انداخته شود، که قبل از ظهور اسلام - در قرن ششم عیسوی و قبل از آن - قبایل بادیه نشین عرب را از دو طرف در محاصره گسترده ای **"تمدن های امپراتوری"** خویش کشانده بودند. در اخیر از همین طریق ممکن میگردد تا ریشه های تاریخی و عقیدتی پرخاشگری دینی را با جزییات آن، آن هم در رابطه تنگاتنگ هم با معضل جهانی شدن و هم با ساختار "دولت های اقتدار گرای دینی و سکولار" معاصر دقیق ارزیابی کرد. البته - به نظر نویسنده - ایجاب میکند که در پی این همه "جر و بحث" در اخیر به مثابه گذرگاه سیاسی بر گفتمان "تیوکراسی و دموکراسی" در پرتو "آزادگی و رفاه همگانی" نکات چند پیشکش کرد.



# شناسنامه

پرخاشگری دینی - در گستره امپراتوری اعراب -

نویسنده: داکتر سید موسی صمیمی

طرح روی جلد جلد: محمد عظیم سرخوش تایبی، هنرمند چیره دست کشور

ناشر: فوروم اقتصاد سیاسی

Forum - Political Economy,

Promoting Dialogou and Discourse

e- mail: [forumpe@aol.com](mailto:forumpe@aol.com)

همکار برگ آرای و چاپ: انتشارات شاهمامه، هالند

[www.shahmama.com](http://www.shahmama.com)

تیراژ: ۱۰۰ جلد

چاپ نخست: بهار ۲۰۱۹ خورشیدی

شماره

حق چاپ برای نویسنده محفوظ است.

چکیده ای نوشته

۱. پیش گفتار: "امپراتوری معاصر" در تضاد با ساختار "ملت-دولت" / ۷
  ۲. اوج و زوال امپراتوری های ساسانی و بیزانس: دو امپراتوری مقتدر زمان / ۱۱
  ۳. زیرساخت مادی و پیوند های اجتماعی اعراب بادیه نشین / ۱۳
  ۴. شهر مکه، زادگاه پیامبر اسلام در واحه ای پهناور حجاز / ۱۹
  ۵. هجرت پیامبر اسلام، ساختار "دولت-شهر مدینه" / ۲۳
  - نخستین سنگ بنا های امپراتوری عرب -
  ۶. پیامبر اسلام، بانی تیوکراسی و پایه گذار امپراتوری عرب ها / ۳۲
  ۷. "غارت و باج گیری" به مثابه زیرساخت ها برای گسترش "حاکمیت الهی مدینه" / ۳۴
  ۸. فتی شیسیم "بکارت" و تبعیض جنسیتی / ۳۹
  ۹. توجیه قرآنی "تیوکراسی اسلام" - رابطه "حاکمیت الهی" با شمشیر / ۴۲
  ۱۰. بحران جانشینی پیامبر اسلام: جدال زعامت میان «مهاجران و انصار» / ۴۵
  ۱۱. امپراتوری اموی ها: نظام موروثی "اشرافیت قریش" - دمشق محور - / ۵۰
  ۱۲. امپراتوری عباسی ها: انتقال قدرت سیاسی در درون قبیله قریش - بغداد محور - / ۵۵
  ۱۳. فروپاشی امپراتوری عرب: "فرسودگی تاریخی"، اوج فرقه گرایی و فساد / ۶۱
  ۱۴. امپراتوری اسلام در رویارویی با تضاد های درونی و تهدیدهای خارجی / ۶۵
  ۱۵. عوامل تاثیرگذار بر بر جهان عرب - پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی - / ۶۹
  ۱۶. روند مسخ شده فورماسیون «ملت-دولت» در جهان عرب / ۷۳
  ۱۷. گفتمان جنبش های بنیاد گرایی / ۸۱
  ۱۸. ابعاد فرایند تراژیدی تاریخی جهان عرب / ۱۰۳
  ۱۹. بهار عربی: از یک جرعه آتش برمی خیزد / ۱۱۰
  ۲۰. پس گفتار: آیین تیوکراسی در مبارزه با گفتمان دموکراسی / ۱۱۵
- رویکردها / ۱۲۴
- فهرست کتب / ۱۳۶

## چکیده ای نوشته

بنیاد گرایی معاصر، به ویژه پرخاشگری دینی - با در نظر داشت ریشه های عقیدتی و نوستالژی امپراتوری اعراب - در واقع واکنش است به بحران ژرف سیاسی، درماندگی های اجتماعی و عدم برآوردن شدن نیازمندی های اولیه اقتصادی جهان اسلام، هم در سطح مرزهای "ملت-دولت" و هم در قبال تاثیر پذیری از ساختار جهانی و مکانیسم جهانی شدن.

بنیاد گرایی دینی فطرتاً خشونت زا، پرخاش گر و استبدادی است. راه کار دژخیمان این گروه ها - به هر نام و نشانی که هم تظاهر کنند - "جهاد" علیه همه گروه های دیگر کیش با پیامد های قتل افراد بی گناه و ستیز با اندیشه ورزی می باشد. بنیاد گرایان تکفیری خود را در خدمت خدایی معرفی می کنند که خونریزی دیگر کیشان را صواب دانسته، به غنیمت گرفتن مال و منال دیگر اندیشان را فرض دانسته و برده آفرینی انسان های آزاده و کنیز سازی دختران دیگر پوشان را وجیهه دینی می خوانند. بازیگران این آیین، سیاه اندیشانی اند که در مبارزه علیه خرد ورزی، فرهنگ و دانش پروری و در اخیر به مبارزه علیه آزاده گی قیام کرده اند.

از یک سو نظر به تجارب تاریخی و از سوی دیگر نظر به این اصل که "انسان به آزادی محکوم است" - ژان پاول سارتر -، از نگاه دراز مدت "دموکراسی و آزادگی" در مبارزه تنگاتنگ علیه این نو لیبرالیسم اقتصادی وبا پیاده کردن استراتژی "رفاه همگانی" با نقش بزرگ در شاخص رفع "نیازمندی های اولیه" به مثابه بدیل در مقابل رژیم های دین پناه و نظام های اقتدار گرای سکولار، زمینه ساز همزیستی مسالمت آمیز سیاسی، پیام آور رفاه اقتصادی و تامین کننده عدالت اجتماعی بوده؛ در نتیجه تضمین کننده اصل "دیگر پذیری دینی، سیاسی و تباری" تلقی گردیده و به مثابه یک نسخه کارا و توأم با "استراتژی بزرگ اقتصاد ملی" و همچنان شایسته سالاری مسئولیت پذیر و جواب ده، راه بیرون رفت از گذرگاه تنگ سیاسی را هموار می سازد.



### ۱. پیش گفتار: تفکر "امپراتوری معاصر" در تضاد با ساختار "ملت-دولت"

اینکه از مدت ها به این سو "پرخاشگری دینی"، به ویژه در "جهان اسلام" بیداد میکند، معضل است که بایست آنرا از یک سو در پیوند نزدیک با روند "جهانی شدن لیبرال" بررسی کرد، که با ساختار "ملت-دولت" در تضاد بنیادی قرار داشته و منجر به تفاوت های سرسام آور اقتصادی و بی عدالتی های چشمگیر اجتماعی به سطح جهانی گردیده است. از سوی دیگر چون آرمان گرایی تاریخی و آیین عقیدتی امپراتوری اعراب بنام اسلام در واکنش بر اصل "جهانی شدن شیوه تولید سرمایه داری" و پدیده های رو بنایی ناشی از آن عجین گردیده است، پس ایجاب

میکند تا در حد توان زوایای گوناگون پرخاشگری دینی به مثابه یک اصل **تاریخی و عقیدتی** مورد ارزیابی انتقادی قرار گیرند.

از آن جایی که امروز ۱۹۳ کشور جهان با مرزهای کم و بیش جغرافیایی، نهاد های ویژه ملی، بیرق ها و حتی سرود های ملی به مثابه "دولت های مستقل" از عضویت سازمان ملل متحد برخوردار می باشند، در نگاه نخست بازگوکننده این واقعیت سیاسی است که دست کم از نگاه حقوق بین الملل – de jure - "دولت های ملی" یک اصل پذیرفته شده در روابط بین المللی است. ولی واقعیت روابط این "دولت های ملی" – de facto - بیانگر این اصل است که ساختار نظام جهان امروز منجر به آن گردیده است که گستره جولانگاه سیاسی-اقتصادی کشور های پیرامونی محدود بوده و از سیاست ها، استراتژی ها و آرمان های کشور های خودمدار کلاسیک و خودمدار نوظهور – در همسویی با کشور های متحد منطقه ای آنها - سخت تاثیر پذیر می باشند؛ و به ویژه در یک رابطه ای وابستگی و گماشته پروری "امپراتوری-پیرامونی معاصر" بسر میبرند. اگر بتاریخ تمدن بشر یک نظر گذرا انداخته شود، بزودی روشن میگردد که "تشکل های امپراتوری" از گذشته های چندین هزار ساله و در تمام قاره های جهان برخوردار بوده، در حالی که ساختار "دولت های ملی" – از نگاه نظری و با استناد به پیمان صلح وستفالی در سال ۱۶۴۸ - یک تاریخ چند صد ساله بیشتر نداشته و در عمل، تازه با تاسیس "سازمان ملل متحد" در سال ۱۹۴۵ در روابط بین المللی "مجلس نشین" گردیده است. اما "تفکر امپراتوری" معاصر، اگر از یک سو در چارچوب "آرمان گرایی تاریخی" افاده میگردد، از سوی دیگر – در رابطه با جهانی شدن – ناشی میگردد از نیازمندی گسترش شیوه تولید سرمایه داری، آن هم به نوع فراملی و فرا قاره ای. این پدیده خود بیانگر تضاد بین "روند جهانی شدن" و ساختار "دولت ملی" تسجیل شده در منشور سازمان ملل متحد تلقی میگردد.

اما کشور های اسلامی – افزون بر این تضاد ساختاری جهانی – به نوبت خود در هاله ای تضاد "عقیدتی" ناشی از تفکر "جهان وطنی اسلام" که گویا اسلام مرز نمی شناسد، قرار گرفته و با ساختار "دولت های ملی"، به ویژه با افاده مصطلحات "امت و شهروند" دست به گریبان می باشند. برخلاف ساختار "دولت های ملی" در غرب، دولت های ملی در جهان اسلام، به ویژه در سرزمین های عرب، فراورده یک روند درازمدت تاریخی و ناشی از همگون سازی روابط تولیدی نبوده، بلکه این ساختار – پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی – نظر به ملاحظات سیاسی و استراتژی قدرت های نوظهور امپریال در یک روند داد و ستد و گماشته پروری با نخبگان سیاسی-نظامی بومی بر جهان عرب تحمیل گردیده است. از این نگاه بنیاد گرایان دینی به این ساختار سیاسی تحمیل شده به مثابه "**راه حل وارداتی**" دیده که با موازین امپراتوری اسلام که در آن عوض "**ملت های مختلف**" یک "امت واحد اسلام" موضوع بحث می باشد، در تضاد بنیادی قرار دارد. اضافه بر آن بحران "دولت های ملی سکولار" در جهان عرب به نوبت خویش به مثابه

دلیل دیگر برای عدم توجیه ساختار "ملت-دولت" و به نفع ادعای "امپراتوری اسلام" تلقی می‌گردد.

"ساختار امپراتوری" - طوری که تذکر رفت - از هزار ها سال به این سو ذهنیت حاکم "جهان کشایان" خوانده شده که در راستای گسترش و استحکام قدرت فرا منطقه ای عمل کرده، و از این نگاه "امپراتوری" تشکیلات پهنه ور دولتی را در بر میگیرد که از بدو امر - آراسته با یک ایدولوژی سلطه گرایی - در جهت گسترش قدرت به شکل تعرضی عمل کرده تا دامنه و زیرساخت سلطه گرایی یک نیروی مشخص در یک حوزه وسیع آماده گردیده و از استحکام برخوردار گردد. پیوند های سیاسی و بهره کشی مرکز قدرت امپراتوری با قلمرو های پیرامونی "سست و آسیب پذیر" بوده و استوار بر اصل "وصایت سیاسی" شکل میگیرند. از این جهت ساختار امپراتوری - با وجود اصل خشونت و تعرض - هیرارشی و شیوه زیست سرزمین های تحت سلطه را به نفع "قدرت مرکزی" متأثر ساخته، و لی شرط نیست که آنرا مضمحل سازد؛ از همین جهت این نوع حکمرانی - از نگاه روابط فرمانروا و فرمانبر- منجر به یک نوع "بیگانگی سیاسی" گردیده که گویا قدرت مرکزی - استوار بر اصل گماشته پروری - از طریق "میانجی ها و حامی های سیاسی" تمثیل می‌گردد. بر خلاف، "دولت ملی" بر نگاه **واقعی و یا توهمی** هم سانی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - یک ملت، یک سرزمین و یک حکومت - استوار می باشد. ولی نظر به انکشاف واقعی روابط بین المللی، ما امروز شاهد این اصل هستیم که ساختار "دولت ملی" نظر به بحران های حاکم درون مرزی و تنش های بیرون مرزی، هنوز هم به مثابه "پادزهر" در مقابل اندیشه "امپراتوری" از قوام کافی برخوردار نگردیده است.

در گفتمان روابط "ملت-دولت" با ساختار های امپراتوری معاصر، نخست از همه بایست بر این امر صحه گذاشت که این روابط دارای ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی میباشند. در این برهه ای تاریخ، ایالات متحده امریکا - نظر به تأثیر گذاری گسترده بر کشورهای دیگر جهان - اگر از یک سو در بین کشور های خودمدار کلاسیک نقش بحث انگیز هژمون را بازی میکند، از سوی دیگر در سطح گسترده در مدارهای مختلف روابط "امپراتوری" برقرار کرده که خود در هسته آن جا گرفته است و تلاش میکند تا سلطه بلامنازع واشنگتن در همه ساحات پیاده گردد. در روند "جهانی شدن استوار بر اندیشه نو لیبرالیسم" و گذار آن به "**جهانی شدن پسا امریکا**"، واشنگتن - به ویژه نظر به تأثیر گذاری نیروهای محافظه کاران نو در آن کشور - به این باور تکیه زد که "**سرنوشت**" کشورهای دیگر را بایست از همین طریق روابط امپراتوری و به شکل یک قطبی تعیین کند. ولی این تلاش ایالات متحده امریکا - از جمله نظر به تاثیر گذاری روز افزون کشور های نوظهور خود مدار - نقش امپریال تک قطبی ایالات متحده امریکا را تحت پرسش برده و جهان را به سوی "چند قطبی شدن" میکشاند.

با در نظر داشت گفتمان "روابط امپراتوری" از یک سو و تفکر "رستاخیر عظمت امپراتوری های اعراب" از سوی دیگر، پرخاش گری دینی با قرائت آیین سلفی-وهابی، "**نظام الهی**" به تعبیر خودش را به مثابه "بدیل" در مقابل "جهانی شدن نو لیبرالیسم" پیشکش کرده و با پیروی از یک استراتژی دو بعدی "**خشونت و دعوت**" عمل میکند؛ تفکر "امپراتوری اسلام" با قرائت دینی پرخاش گران، اصلی است که "جهانی شدن لیبرال" را با تمام پیامدهای سیاسی-اقتصادی و فرهنگی آن به چالش میکشاند. استوار بر عقاید پیش کسوتان بنیاد گرایی دینی و در پیوند تاریخی با آرمان گرایی امپراتوری اسلامی، نسخه حکم روایی اسلامی که گویا جهان شمول می باشد، با نظرات "جهانی شدن" نظام سرمایه داری در رقابت قرار گرفته و تلاش دارد تا از طریق قیام سیاسی-نظامی سلطه ای بلا منازع اسلامی را، آن هم فرا تر از جهان اسلام پیاده کند. پرخاش گران دینی باز هم با یادهانی از جنگ های صلیبی که در آن اسلام و مسیحیت در کارزار سیاسی و کشتار گاه نظامی در تقابل قرار داشتند، به سادگی به این پرسش تاریخی پاسخ عوام فریبانه داده و ادعا میکنند که "جهان صلیبیون" را میتوان با نیروی "جهاد" و "حکمت الهی" شکست داد. اگر نیروهای تصلبی "القاعده و دولت اسلامی" - و شاخه های منطقه ای آنها از قبیل گروه طالب و یا الشباب - از طریق "تکفیر" دست به کشتار، آتش سوزی و خونریزی مسلمانان غیر سلفی-وهابی میزنند، استراتژی ملک سلمان، پادشاه عربستان از طریق "دعوت" و "نفوذ خرنده" در جهت تاثیر گذاری و تشکیل روابط "**امپراتوری ریاض محور**" عمل میکند؛ البته در صورت عدم کارایی این استراتژی، ریاض از مداخلات نظامی و دیپلماتیک نیز اباة نمی ورزد. در این مورد مداخلات نظامی ریاض در بحرین و یمن و یا قطع روابط سیاسی با قطر خود نمونه های گویای این امر خوانده می شوند.

البته، همان طوری که غلبه بر ساختار های "ملت-دولت" از طریق پویایی شیوه تولید سرمایه داری با محدودیت های ساختاری بر میخورد، جولانگاه نوستالژی پرخاش گران دینی، در راستای استراتژی "امپراتوری ریاض محور" نیز با عوامل بازدارنده ناشی از روند "سکولاریسم و اندیشه پروری"، حتی در خود جوامع اسلامی در جهت کثرت گرایی سیاسی مواجه دیده می شود.



## ۲۰. پس گفتار: آیین تیوکراسی در مبارزه با گفتمان دموکراسی

بنیاد گرایی دینی تنها یک "ایدولوژی سیاسی کم رنگ و پیرامونی" نبوده که نادیده گرفته شود. این آیین، جزء بسیار مهم واقعیت های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی معاصر محسوب شده که لبه تیز مبارزه بازیگران این راهکار - در تفاوت چشمگیر با گذشته ها - نه تنها علیه استعمار

جهانی متوجه است، بلکه آنها همه ارزش های جهان شمول آزادی و دموکراسی را با جزم گرایی دینی و تکیه بر اصول "حاکمیت الهی" نفی میکنند.

اینکه امروز نظام سرمایه داری منجر به امپراتوری جهان غرب گردیده است، پدیده های ناشی از این نظام - تفاوت های فاحش اقتصادی و بی عدالتی های اجتماعی - ایجاب مبارزه دراز مدت را با ارایه بدیل های در خور کشور های پیرامونی، به ویژه کشور های عربی می نماید. افزون بر آن راه کار غرب در قبال مبارزه با دهشت افکنی بنیاد گرایی، به ویژه استراتژی نظامی نه تنها منجر به افت پرخاشگری نگردیده، بلکه در بستر همین تعرض نظامی-سیاسی، آیین بنیاد گرایی - از نگاه کمی - از رشد و گسترش بیشتر برخوردار گردیده است. ولی جهان بینی بنیاد گرایان که علیه خرد ورزی به مصاف میروند، فاقد توانایی فکری است که با الگوی امپراتوری "عرب بادیه نشین پرخاشگر" بدیل سیاسی-اقتصادی در خور روابط جهانی در قرن بیست و یکم پیشکش کند. توصل به "جزم گرایی دینی" که به مثابه خمیر مایه ای ساختار تیوکراسی - حاکمیت الهی - رو نما میگردد، در رویارویی مستقیم با نظام دموکراسی - حاکمیت مردم - قرار گرفته و از این طریق در رد آزاد اندیشی که انسان خود سرنوشت خود را تعیین میکند، می شتابد. ....

.....

در برهه ای "جهانی شدن" نظام سرمایه داری و پیامد های ناشی از آن - از قبیل تفاوت های ژرف اقتصادی و بی عدالتی های اجتماعی - از یک سو، و آشوب گری های متداوم، به ویژه در خاور میانه از سوی دیگر موازین آزادی، دموکراسی و تعیین سرنوشت ملل به مثابه بدیل سیاسی-اقتصادی استوار بر خردگرایی بیشتر از همه وقت الزامی پنداشته شده و بنا بر آن از درخشندگی سیاسی و پذیرش همگانی برخوردار دید میشود. البته پیاده کردن دموکراسی و آزادی به مثابه ارزش های جهان شمول و فرا مرزی نه تنها یک "آرمان سیاسی" بوده بلکه در مبارزه همیشگی با اقتدار گرایی سکولار، تبارگرایی خشن و بنیاد گرایی پرخاشگر یک نیاز تاریخی-اجتماعی تلقی میگردد. از آنجایی که "نظام جهانی شدن شیوه تولیدی سرمایه داری" و "پرخاشگری سیاسی دینی"، هر دو با پدیده های عجیب در درون مایه آنها در جهان اسلام بیداد میکنند، و در اثر آن، گرچه که ندای آزادی و دموکراسی خفه میگردد، ولی نیاز به پیاده کردن موازین دموکراسی از نگاه محتوی به همان پیمانه روز به روز بیشتر تبارز میکند.

کتاب "پرخاشگری دینی" را میتوانید مانند دو اثر دیگر نویسنده "گفتمان بحران افغانستان" و "کالبد شکافی بحران افغانستان"، از این آدرس بدست آورید:



Forough Book  
Verlag & Buchhandlung Köln  
Jahnstraße 24  
50676 Köln

Telefon: 0221/9235707

Fax: 0221/2019848

E-Mail: [foroughbook@gmail.com](mailto:foroughbook@gmail.com)

Website: [www.foroughbook.net](http://www.foroughbook.net)